

مطلبی دیروز در خلال بحث گفته شد یعنی از طرف بنده بیان شد که به آن شکل که گفته شد جای تأمل دارد و آن این که ما در بیان مطلب گفتیم که روایت زراره که خواندیم و این که در روایت آمده بود که نزلت علی رسول الله و هو فی سفر گفتیم که ،

حالا نمی دانم به چه شکل گفتیم که ، دوستان استفاده کردند یا این طوریف فهمیده می شد که ، یعنی در سفر رسول اکرم ص نماز جمعه اقامه کرده بوده ، نه از روایت این استفاده نمی شود که نماز جمعه حضرت اقامه می فرمود ، و این که وقتی که این آیه نازل شد حضرت رسول ص نماز جمعه را در سفر خوانده باشند ، فقط خواستم عرض کنم از روایت این استفاده نمی شود ، اما خوب اول صلاة ، صلها رسول الله صلاة ظهر بوده و روایت هم دلالت دارد بر صلاة الوسطی ، صلاة ظهر است فی کل یوم ، یعنی فی سائر الايام ، و صلاة الجمعة فی یوم الجمعة به قرینه تطبیقی که در این روایت نسبت به صلاة الوسطی و صلاة الجمعة وجود دارد چون بعد حضرت در ذیل روایت مساله صلاة الجمعة را بیان کرده اند که خود این تطبیق که اول صلاة ظهر را بیان کرده اند بعدش هم صلاة الجمعة را نقل کرده اند ، خودش ظهور دارد در این که صلاة الوسطی در آیه از سوی معصوم تطبیق بر صلاة الظهر در سائر الايام شده و تطبیق بر صلاة الجمعة شده است در یوم الجمعة این یک نکته

نکته دیگر در تکمیل عرایض روز گذشته ، ما عرض کردیم که این عبارتی که در عبارت زراره آمده است که

والصلاة الوسطی صلاة الظهر بعد و فی قراءة صلاة العصر

همین روایت را مرحوم صدوق رضوان الله تعالی علیه روایت می کند منتهی همین عبارت

و فی قراءة صلاة العصر را ندارد که این قرینه است بر آنچه ما گفتیم که احتمالا این مقطع اضافه ای باشد که از رواة بر روایت افزوده شده است این هم یک نکته

نکته سوم، صدوق در معانی الاخبار این روایت را روایت کرده است بدون این جمله

و فی قراءه صلاة العصر

افزون بر این روایات بسیار زیادی داریم هم از طرق خود ما هم از طرق اهل سنت یعنی از طریق فریقین بر

این که آن قرائتی که شده است این نبوده که صلاة الوسطی ، صلاة العصر بل که آن قراءه

و صلاة العصر است یعنی قرائتی که خوانده شده این طوری است که

حافظوا علی الصلوات و صلاة الوسطی و صلاة العصر

یعنی با واو عطف که بر فرض که آن مقطع در روایت باشد به قرینه این روایات از یک سو و به قرینه خود

آن روایات « و فی قراءه »

و فی قراءه با واو تناسب دارد که در یک روایت « و صلاة العصر » هم اضافه شده است چون روایت خودش

می آید صلاة الوسطی را تفسیر می کند به صلاة الظهر ، این که بعد می آید می گوید که « و فی قراءه صلاة

العصر » که معنی اش این باشد که یعنی تفسیر دیگر صلاة الوسطی ، صلاة العصر است

خوب این اولاً تناسب ندارد ، چون خود حضرت دارد تفسیر می کند صلاة الوسطی را به صلاة الظهر ، بعد

بیاید به گوید « و فی قراءه » ، در صورتی که ما از « فی قراءه » « فی تفسیر » به فهمیم

در حالی که ظهور « فی قراءه » یعنی که نه ، در خود آیه این جوری آمده است و این موید این است که در

خود روایت زراهِ آن مقطع اگر باشد به این شکل بوده است که « و فی قراءه و صلاة العصر » یعنی در خود

آیه که بنابراین هیچ منافاتی با تفسیر صلاة الوسطی به صلاة ظهر ندارد که موجب آن تردید آقای خوئی به

شود که اصلاً تردد جا ندارد ، چون تنها مرجع تردید ایشان همین است و آنچه در این روایت آمده به قرینه

روایات زیادی که از طریق فریقین آمده است مقصود از آن « و فی قراءه » این است و « صلاة العصر » در

خود آیه آمده است « و از قرآن حذف شده »

اولاً شیخ در خلاف عبارتش چنین است می فرماید

و روي الجمهور من زيد بن ثابت قال كان رسول الله ص يصلي الظهر بالهاجرة و لم يكن يصلي صلاة أشد علي أصحاب رسول الله ص منها فنزلت الآية رواه أبو داود و روي الترمذی و أبو داود عن عائشة عن رسول الله ص أنه قرأ حافظوا علي الصلوات و الصلاة الوسطی و صلاة العصر

قال في المنتهي و العطف يقتضي المغایرة لا يقال الواو زائدة كما في قوله تعالى وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ لأننا نقول الزيادة منافية للأصل فلا یصار إليها إلا لموجب و المثال الذي ذكره منع زیادة الواو فيه بل هی للعطف علي بابها

بحار الانوار ج ۸۲ ص ۲۸۹

هاجره یعنی چه؟ یعنی در گرمای شدید، آن وسط روز که هوا خیلی گرم و داغ می شود، می گویند هاجر، یا هجیر، هجیر یعنی چه؟ شاید هجرت هم از همین جا گرفته شده است یعنی کسی که از شهر، معمولاً شهر، یا آبادی سقف داشته، سایه داشته است، وقتی کسی از شهر می رفته است بیرون، در صحرا می خواسته زندگی به کند، هاجر، شاید از همین جاها گرفته شده است، حالا کاری به کلمه هجرت و هاجر نداریم، ولی هجیر به معنای وقت داغی روز است در وسط صحرا، هاجر یعنی همین، یعنی وقت داغی روز، هیچ نمازی بر اصحاب رسول الله ص سخت از این نماز نبود، چون وسط داغی روز، آن شن های داغی که واقعاً می سوزاند، تخم مرغ را بشکنی همان دم، پخته می شود، روی سنگ های آن طوری، آن هم کفش و این ها را هم که نداشتند، کفش که نداشتند بعضی از لباس ها را هم نداشتند، می خواستند روی زمین بنشینند اذیت می شدند، این آیه نازل شد حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی

حالا معلوم شد نکته تاکید بر صلاة الوسطی چه بود، سختی این صلاة الوسطی، طبق این روایت،

بعد شیخ می فرماید

رواه أبو داود ...

ما بر مبنای جمع بین روایات این چنینی که ممکن است کسی از ظهور آن‌ها استفاده کند که جمله ای در قرآن بوده که در قرآن فعلی نیست ،

ما این چنین می‌گوییم که

رسول اکرم بیانی داشته‌اند برای آیات قرآنی ، که در حین نزول آیه هم آن بیان را بیان می‌کرده‌اند ، آن بیان جزء قرآن نبوده است ، ولی وحی بوده است ، که ما از آن به وحی بیانی تعبیر می‌کنیم ، درمقابل وحی قرآنی ، البته این تعبیر را اولین کسی که این گونه تقسیم کرد ، مرحوم علامه عسگری رض است در کتبش ، که یک وحی قرآنی داشته‌ایم و یک وحی بیانی ،

که در کنار وحی قرآنی ، رسول اکرم ص وحی بیانی هم داشته است ، جملاتی را به عنوان بیان حضرت اضافه می‌کرده است ، می‌فرموده است که این جمله هم در بیان این آیه ، بعد در روایات جملات بیانی رسول اکرم ص طوری تعبیر شده است که گاهی توهم می‌شود که مقصود ، این جزء قرآن کریم است ، نه جزء وحی بیانی است ،

در همین روایتی که زراره که خواندیم ، در تهذیب و علل این روایت که آمده است ، « فی قراءة و فی صلاة العصر » دارد یعنی واو دارد ، در تهذیب و علل همین روایت آمده است ولی با اضافه « واو » ، که خوب تایید می‌کند همان مطلبی که از طرق اهل سنت روایت شد ،

حدس ما ، حالا خارج از بحث مان این است که ، « حالا بعداً می‌گوییم » این « و صلاة العصر » ، قراءة ائمه نبوده است ، یعنی این روایت « و صلاة العصر » از طرق ائمه نبوده است ، بل که همان طوری که بیان خواهد شد ، این قرائتی است که حفصه و عائشه هر دو از رسول اکرم ص روایت کرده‌اند ، یک راوی دیگر هم داریم که روی هم رفته بر می‌آید که ، قراءة دیگر قراءة اهل بیت نبوده است ، قراءة غیر آنها بوده است ، منتهی امام صادق ع خواسته اشاره به آن قراءة دیگر هم بکند ، چون این روش ائمه هم بوده است

گاهی ، اصحاب را با آنچه دیگران روایت کرده اند ، آشنا می کرده اند بدون این که آن را از خودشان یا از رسول اکرم ص روایت بکنند ،

اگر این « و فی قراءه » از رسول اکرم ص بود یا خود ائمه اطهار آن را قبول داشتند ، قاعده اش این بود که در خود آن روایت زراره ، حضرت نفرمایند « و فی قراءه » ، همان « و صلاة العصر » را ببرد و اضافه کند ، خود آیه را که می خواند ، می فرماید حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی بعد اضافه کند « والصلاة العصر » این جوری نفرموده ، فرموده فی صلاة الظهر و فی قراءه « و صلاة العصر » که اشاره به آن قرائتی است که از سوی حفصه و عایشه و بعضی دیگر از رواة از رسول اکرم ص روایت شده است ، حالا ما بهر حال می گوئیم ، بر فرضی که این روایت از امام صادق ع به همین شکل صادر شده باشد ، و این « و فی قراءه و صلاة العصر » هم آمده باشد ، این « و فی قراءه و صلاة العصر » بوده است ، و این قرائت هم مورد قبول اهل بیت ع هم نبوده است ، حالا یا بوده یا نبوده که ما استظهار می کنیم که مورد قبول هم نبوده است ، ظهور عبارت حضرت که می فرماید « و فی قراءه »

لکن حالا چه مورد قبول باشد چه نباشد ، صدمه به بحث ما نخواهد زد ، که صلاة الظهر ، تفسیر صلاة الوسطی است در این روایت ، روایت هم صحیحه اعلائی است همانطور که گفتیم از این بعد همه مطالبی که نقل می کنم از بحار است ، و لو بحار از جای دیگری نقل می کند ، منتهی خوب من فرصت نکردم به منابع اصلی رجوع کنم ،

آنچه که گفتیم در تهذیب و علل « و صلاة العصر » آمده ، همان روایت زراره ، که خواندیم دیروز ، ما آن روایت را دیروز با نص کافی خواندیم ، با نص کلینی ، منتهی همان روایت با نص تهذیب ، با نص علل آمده منتهی ، با اضافه واو

۴- تَفْسِيرُ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَرَأَ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَصَلَاةِ الْعَصْرِ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ قَالَ إِقْبَالَ الرَّجُلِ عَلَى صَلَاتِهِ وَ مُحَافَظَتُهُ حَتَّى لَا يُلْهِيهُ وَلَا يَشْغَلُهُ عَنْهَا شَيْءٌ

بجاری‌الأنوار ج : ۷۹ ص : ۲۸۷

یا بجار ج ۸۲ ص ۲۸۶

این روایت صحیح السند هم هست ، بنابراین روایت « قراة » را خود امام صادق ع خوانده است اصلاً
بنابراین این روایت تایید می کند که این « قراة » به وسیله خود حضرت صادق ع خوانده شده است به این
قراة

منتهی بنابراین همان توجیه قبلی ما می آید که ظاهراً مقصود از « قراة » این جا همان قرائتی است که در
متن بیانی قرآن آمده است ، یعنی متنی که وحی بیانی است نه وحی قرآنی ،
در معانی الاخبار مرحوم صدوق ، روایت می کند به سندش

بجاری‌الأنوار ج : ۷۹ ص : ۲۸۷

یا ج ۸۲ بجار ص ۲۸۷

۵- مَعَانِي الْأَخْبَارِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الْمَعْرُوفِ بِابْنِ مَقْبَرَةَ الْقَزْوِينِيِّ مَعَاً
عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ دَاوُدَ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَسِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ الْقَعْقَاعِ بْنِ
حَكِيمٍ عَنْ أَبِي يُؤُسَ مَوْلَى عَائِشَةَ زَوْجَةِ النَّبِيِّ ص قَالَ أَمَرْتَنِي عَائِشَةُ أَنْ أَكْتُبَ لَهَا مُصْحَفًا وَقَالَتْ إِذَا بَلَغْتَ
هَذِهِ الْآيَةَ فَاكْتُبْ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَصَلَاةِ الْعَصْرِ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ثُمَّ قَالَتْ عَائِشَةُ
سَمِعْتُهَا وَ اللَّهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص

عائشه به من دستور داد که یک قرآن برایش بنویسم ،

همین آیه حافظوا

باز هم صدوق به اسنادش از عمرو بن نافع نقل می کند

۷- وَ مِنْهُ، بِالْإِسْنَادِ الْمُتَقَدِّمِ عَنْ سَعْدِ بْنِ دَاوُدَ عَنْ أَبِي زَهْرٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ عَمْرِو بْنِ نَافِعٍ قَالَ كُنْتُ أَكْتُبُ مُصْحَفًا لِحَفْصَةَ زَوْجَةِ النَّبِيِّ ص فَقَالَتْ إِذَا بَلَغْتَ هَذِهِ آيَةَ فَاكْتُبْ حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ صَلَاةِ الْعَصْرِ

قال الصدوق ره هذه الأخبار حجة لنا علي المخالفين و صلاة الوسطي صلاة الظهر

بجارالأنوار ج : ۷۹ ص : ۲۸۸

وَ رَوَاهُ أَيْضاً الْحَاكِمُ النَّيْسَابُورِيُّ فِي الْجُزْءِ الثَّانِي مِنْ تَارِيخِ نَيْسَابُورَ مِنْ طَرِيقِهِمْ فِي تَرْجَمَةِ أَحْمَدَ بْنِ يُوسُفَ السُّلَمِيِّ بِإِسْنَادِهِ إِلَى ابْنِ عُمَرَ قَالَ أَمَرْتُ حَفْصَةَ بِنْتُ عُمَرَ أَنْ يُكْتُبَ لَهَا مُصْحَفٌ فَقَالَ لِلْكَاتِبِ إِذَا أَتَيْتَ عَلَيَّ آيَةَ الصَّلَاةِ فَأَرِنِي حَتَّى أَمُرَكَ أَنْ تَكْتُبَهَا كَمَا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا آذَنَهَا أَمَرْتُهُ أَنْ يَكْتُبَهَا حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ صَلَاةِ الْعَصْرِ

و روي أبو جعفر محمد بن بابويه في كتاب معاني الأخبار في باب معنى الصلاة الوسطي

مثل هذا الحديث عن عائشة

نظير همین روایت را که صدوق به سند خودش نقل می کند ، حاکم نیشابوری در تاریخ نیشابور نقل می کند

۱۲- تَفْسِيرُ الْعِيَّاشِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ الصَّلَاةُ الْوُسْطَى فَقَالَ حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ صَلَاةِ الْعَصْرِ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ وَ الْوُسْطَى هِيَ الظُّهْرُ وَ كَذَلِكَ كَانَ يَقْرَأُهَا رَسُولُ اللَّهِ ص

بجارالأنوار ج : ۷۹ ص : ۲۸۹

یا ج ۸۲ ص ۲۸۸ بجار

سوال کردم از صلاة الوسطی ، یعنی منظور از صلاة الوسطی چی هست؟

باز مرحوم شیخ بهائی در کتاب فلاح السائل به سند خودش از محمد بن مسلم نقل می کند

۱۷- فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ رَوَيْتُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ كَتَبْتُ امْرَأَةً الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ مُصْحَفًا فَقَالَ الْحَسَنُ لِلْكَاتِبِ لَمَّا بَلَغَ هَذِهِ الْآيَةَ اكْتُبْ حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةَ الْوُسْطَى وَ صَلَاةَ الْعَصْرِ وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ

ص ۲۸۹ ج ۸۲ بحار

یک مطلبی را هم مرحوم مجلسی خودش اضافه می کند می فرماید که:

وَ رَأَيْتُ فِي كِتَابِ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ عَنِ الصَّادِقِينَ ع مِنْ نُسْخَةٍ عَتِيقَةٍ مَلِيحَةٍ عِنْدَنَا الْآنَ أَرْبَعَةَ أَحَادِيثَ بَعْدَ طُرُقٍ عَنِ الْبَاقِرِ وَ الصَّادِقِ ع أَنَّ الصَّلَاةَ الْوُسْطَى صَلَاةُ الظُّهْرِ وَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ قَرَأَ حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةَ الْوُسْطَى وَ صَلَاةَ الْعَصْرِ

و فيه حديثان آخران بعد ذكر أحاديث. قلت أنا و ذهب أبو جعفر محمد بن بابويه في كتاب معاني الأخبار إلى أن الصلاة الوسطى صلاة الظهر و أورد في ذلك أخبارا من طريقين

وَ رَوَى أَيْضًا فِي كِتَابِ مَدِينَةِ الْعِلْمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ الصَّلَاةَ الْوُسْطَى صَلَاةُ الظُّهْرِ وَ هِيَ أَوَّلُ صَلَاةٍ فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَيَّ نَبِيِّهِ ص

بحار الأنوار ج : ۷۹ ص : ۲۹۱

یا ج ۸۲

عَنِ الصَّادِقِينَ شَايِدَ عَنِ الصَّادِقِينَ بَاشَدَ ، مِنْتَهَى بِهِ قَرِينَهُ بَعْدَ ظَاهِرٍ مَنْظُورٍ الصَّادِقِينَ اسْتِ ،

بعد مجلسی در ادامه می فرماید و روى الصدوق ، چون این روایت را ما نداشتیم ، این را هم ما اضافه می کنیم ،

کتاب المدينة العلم را متأسفانه ما نداریم ، از گمشده های کتب ماست ، معلوم می شود تا زمان مجلسی بوده

است این کتاب ، بعد چطور شده است ؟ « ما نمی دانیم »

خوب از تمام آنچه خواندیم و بیان شد ، معلوم می شود که اجمالاً اگر ، آن جمله در آن روایت از امام معصوم ع باشد ، با با « واو » باشد ،

هم به قرینه روایت دیگری ، هم به قرینه همان روایت ، و نص دیگری در تهذیب و علل ، و هم به قرینه روایات کثیره ای که از طرق ما و از طرق اهل سنت ، وارد شده است که تایید می کند که ، آنچه قرائت دوم است ، « و صلاة العصر » است نه « صلاة العصر » تنها ،

علاوه بر این روایت زراره که گفتیم صحیح السند است و از این روایت استفاده می شود صلاة الوسطی در این آیه کریمه صلاة الظهر فی سائر الايام است و صلاة الجمعة ، يوم الجمعة و گفتیم خصوص این مطلب که صلاة الوسطی ، صلاة الجمعة فی يوم الجمعة است و صلاة الظهر فی سائر الايام است این روایت نقل شده است ولی مرحوم آقای خوئی می فرمایند سندش ضعیف است و مرسله ای است که مجمع البیان از حضرت امیر ع نقل می کند .

عرض می کنیم که همین سبک تفسیر از آیه در جاهای دیگر هم روایت شده است از جمله مرحوم عیاشی در تفسیرش روایت کرده است

۱۲- تَفْسِيرُ الْعِيَّاشِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ الصَّلَاةُ الْوُسْطَى فَقَالَ حَافِظُوا عَلَي الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ صَلَاةِ الْعَصْرِ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ وَ الْوُسْطَى هِيَ الظُّهْرُ وَ كَذَلِكَ كَانَ يَقْرَؤُهَا رَسُولُ اللَّهِ ص

۱۳- وَ مِنْهُ، عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ حَافِظُوا عَلَي الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى قَالَ صَلَاةُ الظُّهْرِ وَ فِيهَا فَرَضَ اللَّهُ الْجُمُعَةَ

بجاء الأنوار ج : ۷۹ ص : ۲۸۹

این فيها در « وَ فِيهَا فَرَضَ اللَّهُ الْجُمُعَةَ » به چی بر می گردد؟ قاعده اش این است که فيها به « آیه »

برگردد یعنی در همین آیه خدای متعال جمعه را فرض کرده است

این باز هم همان می شود معنی اش ، یعنی الصلاة الوسطی یراد بها الظهر فی سائر الايام و الجمعة فی يوم الجمعة

این روایت هم در بحار آمده است در صفحه ۲۸۸

منتهی در هامش کتاب ارجاع داده است به هامش تفسیر عیاشی ، من تفسیر عیاشی را ندارد در هامش کتاب نوشته تفسیر عیاشی جلد یک صفحه ۱۲۷ آقایانی که می توانند تفسیر عیاشی را بدست بیاورند می توانند به خود تفسیر عیاشی مراجعه کنند

روایتی دیگر باز روایت شده است ، مرحوم شیخ بهاء خودش یک روایتی دارد و نقل می کند از کتاب عمر بن اذینه ، شیخ بهاء در فلاح السائل می فرماید

۱۷- فَلَاحُ السَّائِلِ، الَّذِي نَعْتَقِدُ أَنَّهُ أَقْرَبُ إِلَيَّ الصَّحَّةِ وَالصَّوَابِ أَنْ أَوَّلَ صَلَاةٍ فُرِضَتْ عَلَيَّ الْعِبَادِ صَلَاةُ الظُّهْرِ وَ أَنَّهَا هِيَ الصَّلَاةُ الْوُسْطَى وَ كَانَتْ رُكْعَتَيْنِ وَ الْأَخْبَارُ فِي أَنَّهَا أَوَّلُ صَلَاةٍ فُرِضَتْ وَ أَنَّهَا كَانَتْ رُكْعَتَيْنِ كَثِيرَةً فَلَا حَاجَةَ إِلَيَّ ذِكْرِهَا لِظُهُورِهَا عِنْدَ الْقُدُورَةِ مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ وَ أَمَّا أَنَّهَا الْوُسْطَى فَإِنِّي رَوَيْتُ مِنْ كِتَابِ عَمْرِو بْنِ أُذَيْنَةَ فِي مَا رَوَاهُ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَا سَمِعْنَا أَبَا جَعْفَرٍ ع وَ سَأَلَاهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى فَقَالَ هِيَ الصَّلَاةُ الظُّهْرُ وَ فِيهَا فَرَضَ اللَّهُ الْجُمُعَةَ وَ فِيهَا السَّاعَةُ الَّتِي لَا يَسْأَلُ اللَّهُ فِيهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ خَيْرًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ

بحار الأنوار ج : ۷۹ ص : ۲۹۰

تا آنجا که می فرماید وَ أَمَّا أَنَّهَا الْوُسْطَى فَإِنِّي رَوَيْتُ مِنْ كِتَابِ عَمْرِو بْنِ أُذَيْنَةَ ... این جا مرحوم شیخ بهاء خودش مستقیماً از کتاب عمر بن اذینه این مطلب را نقل می کند و باید ببینیم که شیخ اگر سند داشته باشد به کتاب عمر بن اذینه که خوب می گوید و اگر نداشته باشد هم بهر حال معلوم است که این هم تایید می کند آن روایت قبلی را

« وَ فِيهَا » یعنی و فی هذه الآیه فرض الله الجمعة

« وَ فِيهَا السَّاعَةُ الَّتِي » این فیها دوم به جمعه بر می گردد

تالار انجمن‌های گفتگوی تخصصی دروس حوزه‌های علمیّه

<http://\zekr.com>

Copyright © \Zekr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است

<http://\Zekr.Com>